

کثرت‌گرایی دینی از منظر جان هیگ و سید حسین نصر

U علی رضا بهار دوست

مسئله کثرت‌گرایی دینی در الاهیات عموماً زیر عنوان «الاهیات ناظر به ادیان» معرفی شده، ولی این موضوع عموماً با فلسفه دین مأنوس‌تر است.

به باور وی، تنها با ظهور تجددگرایی و به همراه آن، در حاشیه قرار گرفتن زبان «تعبدی» در الاهیات و دین‌پژوهی و پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات بود که موضوع کثرت‌گرایی دینی توانست به عنوان یکی از عرصه‌های مهم فلسفه دین درآید. مؤلف بر این اعتقاد است که امروزه مسئله کثرت‌گرایی دینی برای دینداران، موضوعی جدی‌تر از مسئله وجود خدا یا مسئله شرور است.

مؤلف، ضمن اعتراف بر این که تحقیقش ارزش داوری‌های خاص خود را دارد و او برای توجیح و تبیین آن‌ها تلاش می‌کند، اظهار می‌دارد که هرچند در این تحقیق به مقایسه آراء و اندیشه‌های دو اندیشمند معاصر در مسائل دین، ادیان، مفهوم حقیقه الحقایق و مفهوم معرفت قدسی می‌پردازد، ولی در سطحی بسیار گسترده‌تر به مقایسه دو جهانبینی می‌پردازد: یکی جهانبینی نضج‌گرفته بر دامان فرهنگ غربی که در مقام قصد و نیت دینی ولی ذاتاً دنیوی (= سکولار) است؛ و دیگری جهانبینی‌ای مخالف با هنجارهای سکولار که از طریق جذب و هضم حکمت سنتی شکل گرفته است که هم به لحاظ قصد و نیت و هم ذاتاً دینی است.

وی تأکید می‌کند هر چند موضوعات مورد بحث در این کتاب دایره محدودی دارد، ولی دایره اصول قرار گرفته در ورای آن‌ها گسترده است.

عدنان اصلان دلیل اصلی خود را برای بررسی مسئله کثرت‌گرایی دینی در نوشته‌های هیگ و نصر تا حدی مرتبط



U پلورالیسم دینی: کثرت‌گرایی از نگاه جان هیگ و سید حسین نصر

U نویسنده: عدنان اصلان

U ترجمه: دکتر انشاءالله رحمتی

U انتشارات نقش جهان، تهران / چاپ اول / ۱۳۸۵ش

موضوع اصلی کتاب حاضر، بررسی تطبیقی «کثرت‌گرایی دینی» از منظر دو اندیشمند معاصر، جان هیگ و سید حسین نصر است. مؤلف با این اعتقاد که خطر مغفول ماندن، موضوع کثرت‌گرایی دینی را تهدید می‌کند، این موضوع را برای پژوهش خود انتخاب کرده است؛ چه در ناحیه‌ای بی‌طرف در مرز میان الاهیات و فلسفه دین قرار دارد.

واقع نوعی کثرت‌گرایی دینی است و زمانی که این را دریافته، همه چیز بر سر جای خود قرار گرفته است.

نویسنده با اشاره به سه پارادایم: کثرت‌گرایی، انحصارگرایی و شمول‌گرایی که در دین‌پژوهی معاصر در بحث از دعوی حقایق ادیان به ظهور رسیده است، و نیز گزارش مفصلی از این پارادایم‌ها با نگاه به مسیحیت، تصریح می‌کند که این سه الگو همه طیف الاهیاتی را پوشش نمی‌دهند و نصر را یکی از نمونه‌هایی معرفی می‌کند که در این پارادایم‌ها جای نمی‌گیرد. به باور وی هرچند دیدگاه نصر کثرت‌گرایانه به نظر می‌رسد از آن روی که اعتبار همه ادیان وحیانی را به عنوان راه نجات تصدیق می‌کند ولی او برخی ابعاد ایدئولوژیکی کثرت‌گرایی را مردود می‌داند.

مؤلف در فصل اول، می‌خواهد با بیان جامعی از زندگی‌نامه‌های فکری هیک و نصر، قرابتی میان خواننده و زندگی و اندیشه این دو فیلسوف ایجاد کند. وی در فصل دوم، تلاش می‌کند اوصاف آن منزل و مأوای فکری - معنوی را که خود این دو متفکر در آن بالیده‌اند، به تصویر بکشد. در فصل سوم، صرفاً به بیان نقش معرفت‌قدسی و غیر قدسی در مرتبط ساختن انسان‌ها و عالم هستی با امر غایی و بالعکس می‌پردازد. وی در سه فصل باقی‌مانده موضوع «کثرت‌گرایی دینی» را کانون توجه خود قرار می‌دهد. در فصل چهارم، به بررسی عواملی می‌پردازد که حاکی از نیاز به رویکردی کثرت‌گرایانه در دین‌اند. در فصل پنجم، معقولیت اعتقاد به رویکردی کثرت‌گرایانه در عین اعتقاد به یک واقعیت متعالی و التزام به هنجارها و ارزش‌های یک دین مشخص بررسی می‌شود. و سرانجام در فصل ششم، امکان فیصله دادن به این مسأله را با کمک ساختار «الاهیاتی» اصلی اسلام و مسیحیت مورد کندوکاو قرار می‌دهد.

گفت‌وگویی حضوری با هیک و نصر توسط مؤلف کتب، ضمیمه‌ای است خواندنی که به باور نگارنده اگر پیش از مطالعه اصل کتاب خوانده شود، به فهم بهتر مطلب کمک خواهد کرد. با توجه به عدم دسترسی به متن اصلی کتاب، که به زبان انگلیسی است، داوری در خصوص قوت و ضعف ترجمه فارسی اثر امکان ندارد؛ ولی به طور کلی نثر ترجمه فارسی، نثری است تقریباً روان و خوش‌خوان. نگارنده برخی از اغلاط ویرایشی و تایپی موجود در اثر را به علت عدم وسواس مؤلف یا ناشر محترم در مرحله نمونه‌خوانی و ویرایش می‌داند.

با تجربه شخصی‌اش معرفی می‌کند. وی اظهار می‌دارد به عنوان یک فرد پرورش یافته و تحصیل کرده در جامعه اسلامی که به طور جدی به حقایق اسلام باور دارد، به هنگام گذراندن تحصیلات تکمیلی در غرب و برخورد با افرادی از فرهنگ‌های دیگر و باورمند به ادیانی جز اسلام، همواره این پرسش در ذهنش خلجان داشته که آیا آن‌ها اهل «نجات»‌اند؟ و اگر از «نجات» محروم می‌مانند، صرفاً به این دلیل است که در جامعه محل تولد من زاده نشده‌اند.

مؤلف در ادامه ضمن تصریح بر این که مسأله «نجات» را تهدیدی برای هویت دینی مطرح می‌کند، جان هیک را نخستین متفکری معرفی می‌کند که در این عرصه او را تحت تأثیر قرار داده و همه گفته‌هایش را کم و بیش پذیرفته است. البته وی با مطالعه بیشتر در آثار هیک، درباره آن دسته از آرای وی که با دیدگاه سنتی خودش تعارض داشته، تردید کرده است و با گذشت زمان متوجه شده که بایستی از یک منظر اسلامی برای مسائل مورد بحث هیک، از جمله مسأله کثرت‌گرایی دینی پاسخی بیاید. و در این عرصه با خواندن آثار سید حسین نصر، متقاعد شده که او می‌تواند اندیشمندی قابل توجه برای مقایسه با هیک باشد.

مؤلف، مشکل اصلی موجود بر سر را این تحقیق را نه از آن جهت معرفی می‌کند که هیک و نصر به سنت‌های متفاوتی تعلق دارند، بلکه از این رو می‌داند که اهتمام اصلی هر یک از آن‌ها متفاوت با دیگری است. به نوشته وی در حالی که کثرت‌گرایی دینی در مرکز اهتمام هیک قرار دارد، نصر درباره فلسفه جاویدان (= الحکمة الخالدة) و تصور این فلسفه از سنت به بحث می‌پردازد. البته گذشت زمان بر مؤلف معلوم کرده که تصور نصر از سنت در

